

شناسایی و تحلیل پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده اعتماد عمومی در جمهوری

اسلامی ایران

زهره محمدی^۱ | ایوب نیکونهاد^۲ | حدیث باقری نیا^۳

شماره ۲ (۲)

سال ۱

فصل پاییز ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

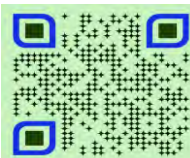
تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۵/۲۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۹/۰۱

صص: ۲۶-۵۳



چکیده

اعتماد به عنوان یکی از سرمایه‌های مهم و اساسی در یک جامعه شناخته می‌شود که زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه با یکدیگر و دولت و مردم با همدیگر است. اعتماد عمومی به عنوان یکی از جنبه‌های مهم اعتماد از ملزومات اساسی موفقیت و پیشرفت دولت‌هاست، تقویت اعتماد عمومی و افزایش آن در جامعه منجر به ایجاد کاهش تعارض‌ها و افزایش انواع مشارکت در جهت بهبود عملکرد نظام حکمرانی خواهد شد. شناسایی پیشران‌های کلیدی تأثیرگذار بر اعتماد عمومی در نظام جمهوری اسلامی ایران که هدف اصلی این پژوهش است می‌تواند زمینه را برای برنامه‌ریزی و پیش‌نگری در حوزه اعتماد عمومی برای نظام سیاست‌گذاری کشور فراهم نماید. درواقع پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که پیشران‌های کلیدی شکل‌دهنده به آینده اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران دربرگیرنده چه پیشران‌هایی است؟ رویکرد پژوهش اکتشافی است و با بهره‌گیری از روش آینده‌پژوهی مبتنی بر پیشران‌شناسی و استفاده از نرم‌افزار میک مک به تحلیل داده‌ها و شناسایی پیشران‌های کلیدی پرداخته است. یافته‌های تحقیق ناشی از نرم‌افزار بیان‌کننده این است که پیشران‌های پاسخ‌گویی و شفافیت، کارآمدی نظام سیاسی، عدالت اجتماعی، شکاف‌های طبقاتی بیشترین تأثیرگذاری را بر آینده اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران دارند.

کلمات کلیدی: اعتماد عمومی، آینده‌پژوهی، پیشران‌شناسی، نرم‌افزار میک مک، جمهوری اسلامی ایران

^۱ دانشجوی دکتری آینده پژوهی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران (نویسنده مسئول).

zohreh_mohammadi_1389@yahoo.com

^۲ استادیار دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیا ارتش، تهران. anikunahad@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران.

hadisbagherinia@alumani.um.ac.ir

استاد: محمدی، زهره؛ نیکونهاد، ایوب و باقری نیا، حدیث. (۱۴۰۳). شناسایی و تحلیل پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده اعتماد عمومی در جمهوری

اسلامی ایران. شناخت پژوهی مطالعات سیاسی، ۲۱(۱)، ۲۶-۵۳.

mohammadi, Z., nikunahad, A., bagherinia, H. (2024). Identification and analysis of drivers influencing the future of public trust in the Islamic Republic of Iran. Cognitive research of political studies, 1(2), 26-53.



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

اعتماد به عنوان یکی از جنبه‌های بااهمیت روابط انسانی شناخته می‌شود که تسهیل‌کننده و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری در میان اعضای جامعه است. اعتماد تمایل افراد به همکاری با یکدیگر را افزایش می‌دهد و شبکه‌ای گسترده از تجمع‌های داوطلبانه در ابعاد مختلف زندگی افراد ایجاد می‌کند. اعتماد یک عامل بسیار مهمی است که نقش حیاتی و ضروری‌ای در ایجاد موفقیت‌های فردی و سازمانی ایفا می‌کند و نخبگان و اداره‌کنندگان یک جامعه همواره درصدد دست‌یابی به آن هستند. اعتماد ایجادکننده پیشرفت، افزایش مشارکت، ثبات است. به گفته فوکویاما «اعتماد عمومی مهم است، زیرا کارکرد اثربخش سازمان‌ها در جامعه به میزان اعتماد مردم به این سازمان‌ها بستگی دارد.» برخی صاحب‌نظران معتقدند که اعتماد نوعی سازوکار انسجام‌دهنده است که وحدت را در سیستم‌های اجتماعی حفظ و ایجاد می‌کند. وقتی اعتماد شهروندان از بین برود، کارکنان بخش دولتی در انجام دادن وظایفشان با دشواری‌های بیشتری مواجه می‌شوند. همچنین با افول اعتماد عمومی، مشارکت مردم در فرایندهای سیاسی و اجتماعی کاهش پیدا می‌کند اگر اکثر مردم نسبت به نهادهای دولتی و افراد مسئول و منتخب اعتماد نداشته باشند، در مواردی که لازم است در تصمیم‌گیری‌ها همچون مشارکت سیاسی به میدان آیند، وارد عمل نخواهند شد. اگر افراد جامعه نسبت به سازمان‌ها و مدیران دولتی و مسئولین بی‌اعتماد باشند، بی‌تفاوتی نسبت به خط‌مشی‌گذاری نمود پیدا خواهد کرد و این عدم اعتماد مردم در گذر زمان منجر به برچیدن نظام سیاسی خواهد شد و مشروعیت نظام سیاسی و سازمان‌های دولتی با اعتماد افراد جامعه نسبت به آن‌ها گره خورده است؛ بنابراین به علت پیوند تنگاتنگ اعتماد مردمی نسبت به سازمان‌های دولتی با توفیق و اثربخشی نظام سیاسی، تقویت اعتماد عمومی بسیار مهم و حائز اهمیت است.

در جامعه ایرانی نیز از آنجایی که شهروندان طبق قانون اساسی در مرتبه بالا و رفیعی قرار گرفته‌اند و لازمه پابرجایی نظام سیاسی و مشروعیت آن به میزان مشارکت آنان بستگی دارد اعتماد عمومی آنان حائز اهمیت فراوانی است و ذکر این نکته لازم است که بی‌اعتمادی عمومی شهروندان منجر به کمرنگ شدن حضور افراد جامعه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خواهد شد و مردم وقتی دچار بی‌اعتمادی عمومی باشند و نظام سیاسی کشور نتواند اعتماد لازم را در بین آن‌ها ایجاد کند به مرور نسبت به مسائل مهم کشور دچار نوعی بی‌تفاوتی خواهند شد که این می‌تواند در آینده به عنوان تهدیدی بسیار مهم تلقی شود. از این‌رو شناخت پیشران‌هایی که تأثیرگذار هستند بر آینده اعتماد عمومی بسیار مهم و حائز اهمیت است از این‌رو این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این

پرسش است که مهم‌ترین پیشران‌های شکل‌دهنده به آینده اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران دربرگیرنده چه پیشران‌هایی است؟ که تلاش است با بهره‌گیری از پرسشنامه خبرگانی و تحلیل داده‌ها همراه با نرم‌افزار میک مک به این پرسش پاسخ داده شود.

۱- پیشینه پژوهش

قاسمی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله پژوهشی خود تحت عنوان «تحلیل عوامل مؤثر بر آینده اعتماد عمومی به دولت جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۲۴: ارائه الگو یک الگو» با استفاده از روش تکنیک دیمتل فازی چند عامل را برای اعتماد عمومی بیان کرده‌اند که عدالت اجتماعی مهم‌ترین عامل مؤثر بر اعتماد عمومی به دولت جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. قادری و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله پژوهشی خود تحت عنوان «ارزیابی عوامل شکاف طبقاتی و رابطه آن با کاهش اعتماد عمومی» به بررسی علل شکاف طبقاتی پرداخته‌اند و بیان کرده‌اند که افزایش تورم، رکود در بازار، حقوق‌های نجومی باعث افزایش شکاف طبقاتی شده و این شکاف طبقاتی منجر به افزایش بی‌اعتمادی مردم نسبت به مسئولان شده است. الوانی و دانایی‌فرد (۱۳۸۰) در مقاله پژوهشی خود تحت عنوان «مدیریت دولتی و اعتماد عمومی» به بررسی رابطه میان این دو مؤلفه پرداخته‌اند و معتقدند که اعتماد افراطی مردم نسبت به دولت و مدیران مانع نقد و عملکرد آن‌ها می‌شود و کاهش اعتماد عمومی نیز مشروعیت نظام سیاسی و مدیریت دولتی را زیر سؤال می‌برد.

۲- ضرورت پژوهش

ایجاد اعتماد عمومی و افزایش و تقویت آن بر هر دولت و نظامی حائز اهمیت فراوانی است و جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده بسیار مهم مستثنی نیست، لازم است که نظام جمهوری اسلامی ایران نیز جهت تقویت مشروعیت و جلب مشارکت مردم در جهت ایجاد اعتماد عمومی در میان شهروندان تلاش کند چراکه کاهش اعتماد عمومی در جامعه می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری را بر پیکره نظام وارد سازد ازاین‌رو شناسایی پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده اعتماد عمومی حائز اهمیت است.

۳- مبانی نظری

۳-۱- اعتماد عمومی

بررسی‌ها حاکی از آن است که تعریف واحد و یکسانی از اعتماد در میان اندیشمندان وجود ندارد. با این حال در تعاریفی که از اندیشمندان مختلف ارائه شده است آن را عموماً انتظار رفتارهای صادقانه و فاقد منفعت‌جویی از دیگران می‌دانند. بر همین اساس اعتماد عمومی نیز باور مردم نسبت به رفتارها و اقدامات خاصی است که انتظار دارند از دولت ببیند تا به حمایت از دولت و سازمان‌های دولتی تمایل داشته باشند. به عبارت دیگر وقتی از اعتماد عمومی سخن به میان می‌آید به این معنی است که عامه مردم انتظار دارند مقامات و کارکنان سازمان‌های دولتی با اقدامات خود در تعامل با عامه، به انتظارهای آن‌ها به‌خوبی پاسخ دهند. اعتماد عمومی میزان یا سطح انتظار عموم برای دریافت پاسخ مثبت به خواسته‌هایشان از طرف متولیان امور عمومی است.

اعتماد عمومی ماهیتی جامعه‌شناختی نیز دارد و می‌تواند آن را در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز مشاهده کرد. اعتماد عمومی حاصل باور افراد به توانایی‌های آنان در اثرگذاری بر فراگرد توسعه سیاسی و تصور آنان از مراتب پاسخ‌گویی و حساب‌پس‌دهی دولت اشاره دارد (Ghasemi and other, 2019: 7). کریستینسن و لاگرید سه مشخصه را برای اعتماد عمومی به دولت مطرح کرده‌اند که شامل: ۱. اعتماد عمومی به دولت حالت مسری داشته و از نهادی به نهاد دیگر سرایت می‌کند؛ ۲. متغیرهای سیاسی و فرهنگی بیشترین تأثیر را بر روند اعتماد عمومی به دولت دارند که متغیر رضایت مردم از نظام دموکراسی حاکم بر اندیشه و عمل دولت، مهم‌ترین متغیر در این زمینه است؛ ۳. اعتماد به دولت می‌تواند تحت تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند سن و تحصیلات نیز باشد.

اعتماد عمومی به‌عنوان مبنایی برای نظم اجتماعی در رشته‌ها و سطوح تحلیلی مختلف راه‌یافته است. درک اینکه چرا مردم چرا اعتماد می‌کنند و همین‌طور اینکه چگونه اعتماد روابط اجتماعی را شکل می‌دهد، محور مهم بحث روانشناسان، انسان‌شناسان و محققان رفتار سازمانی بوده است. همچنین اعتماد عمومی شهروندان را به نهادها و سازمان‌هایی که نمایندگان آن‌ها هستند پیوند می‌دهد و از این طریق مشروعیت و اثربخشی دولت دموکراتیک را افزایش می‌دهد. همچنین بر این نکته تأکید می‌کند که تنها سطح متوسطی از اعتماد، سازنده و کارکردی است به این معنی که اعتماد احساسی و افراطی مردم نسبت به دولت و مدیران دولتی، مانع نقد و اصلاح عملکرد آن‌ها می‌شود

و کاهش اعتماد عمومی نیز مشروعیت مدیریت دولتی و نظام سیاسی را زیر سؤال خواهد برد (Alvani and Danaiy fard, 2001: 5).

۴- روش پژوهش

۴-۱- آینده پژوهی

آینده پژوهی علم و هنری است که درصدد شناخت و کشف آینده‌های ممکن و محتمل و ساخت آینده‌های دلخواه و مطلوب است. آینده پژوهی عمدتاً از یک سو به دنبال ارائه تصویری از آینده‌های پیشرو و از سوی دیگر درصدد ایجاد عزم جمعی و هدایت عمومی به سمت تحقق آینده‌های دلخواه است. آینده پژوهی علم کل گرا است و همه زوایای موضوع و ابعاد آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. به طور کلی آینده پژوهی به انسان کمک می‌کند که از درون «تغییرات امروز» «واقعیت فردا» را استخراج کرده و تصمیم‌گیری مربوط به آینده را در زمان حال صورت دهد. دانش و بینشی که آینده پژوهی در اختیار انسان می‌گذارد، او را در کسب موقعیت برتر در عرصه رقابتی یاری رساند و در نتیجه فهم و درک نیروها و عوامل مؤثر بر زمینه فعالیت‌های شخصی و سازمانی، او را درباره تغییرات احتمالی آینده هوشیارتر می‌کند و به همگان اجازه می‌دهد آینده‌های محتمل و آینده‌های بایسته و مسیر رسیدن به آینده مطلوب را بدانند. کاربرد آینده پژوهی این است که مردم را نسب به رویدادها، فرصت‌ها و مخاطرات احتمالی آینده هوشیار نگه می‌دارد؛ ابهام‌ها، تردیدها و دغدغه‌های فرساینده را تا حدی می‌کاهد و توانایی انتخاب‌های هوشمندانه و مردم را افزایش می‌دهد. این علم، دانش و معرفت «شکل بخشیدن به آینده»، به گونه‌ای آگاهانه است (Aliakbari, 2013: 7).

۴-۲- پیشران شناسی

پیشران از مفاهیم پایه‌ای اصلی آینده پژوهی است. از حیث اصطلاحی پیشران به هر «نیروی تغییر ساز» اشاره دارد که می‌تواند توسط اشخاص، نهادها و یا حتی شرایط ایجاد شود؛ بنابراین پیشران‌ها نیروهایی هستند که بر پیامد رویدادها تأثیر دارند. درواقع عناصری که باعث حرکت و تغییر در طراحی اصلی پدیده‌ای آینده و سناریوها شده و سرانجام داستان‌ها را مشخص می‌کنند، می‌باشند. به طور کلی پیشران‌ها یا نیروهای پیشران، نیروهای بنیادین ایجاد تغییر یا جابه‌جایی در الگوها و روندها هستند. بر اساس واژه‌نامه آینده پژوهی، پیشران عبارت است از عوامل تأثیرگذار بر روندها و رویدادها و اقدامات و تصاویر که ممکن است آینده‌های متمایزی پدیدآورند.

نیروهای پیشران شامل مجموعه یا دسته‌ای از عوامل سازنده و شکل دهنده آینده است و احتمال زیاد بر این است که آینده را شکل می‌دهد؛ تنها یک پیشران سازنده‌ی آینده یک موضوع نیست و پیشران‌های مختلف متأثر از هم و اثرگذار برهم در ساخت آینده سهیم هستند و هر پیشران بنا به موقعیت‌های مختلف زمانی-مکانی می‌تواند دارای شدت و جهت اثرات متفاوتی باشد. در ضمن اینکه پیشران‌ها می‌توانند همدیگر را تقویت و خاصیت هم‌افزایی داشته یا ضد همدیگر باشند و یکدیگر را تخریب و تضعیف کنند. البته شناسایی و نام‌گذاری نیروهای پیشران بسیار دشوار است، زیرا آن‌ها معمولاً از روابط متقابل موجود در تمامی محدوده‌ی مربوط به یک موضوع تأثیر می‌پذیرند و ممکن است تأثیر آن‌ها برای سال‌ها و یا ده‌ها سال احساس نشود یکی از مهم‌ترین راه‌های شناسایی پیشران‌ها، شناسایی پیشران‌ها در چند دسته سیاسی، تکنولوژیک، تضاد، محیطی، فرهنگی، اجتماعی، ارزشی، اقتصادی است (Ramezani and other, 2020: 7).

در این پژوهش جهت شناسایی پیشران‌ها، در ابتدا از ده نفر از خبرگان (پژوهشگران و استادان دانشگاه) که در حوزه آینده‌پژوهی و مسائل جامعه‌شناسی صاحب‌نظر بودند در قالب یک پرسشنامه کیفی درخواست شد تا پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده اعتماد عمومی را بر اساس مدل پیشران‌شناسی مشخص و در جدولی در دسته‌بندی مشخصی قرار دهند. بعد از شناسایی پیشران‌ها توسط خبرگان پیشران‌هایی که با یکدیگر هم‌پوشانی داشتند در یکدیگر ادغام گشتند و پیشران‌های بی‌ربط حذف گردیدند و در نهایت پانزده عدد پیشران از میان مهم‌ترین پیشران‌هایی که خبرگان بیان کرده بودند انتخاب شد در گام بعدی، وزن دهی عددی پیشران‌ها در جدول تحلیل متقاطع توسط خبرگان انجام شد و با استفاده از نرم‌افزار میک مک به تحلیل داده‌ها پرداخته شد. این مرحله، با مقایسه پیشران‌ها با ترسیم جدول متقاطع، به دریافت نظر خبرگان اقدام شد و سپس میزان تأثیرگذاری و اهمیت هریک از این پیشران‌ها نسبت به پیشران‌های دیگر مشخص شد. برای این امر مهم، از خبرگان خواسته شد که در پرسشنامه ارتباط هر پیشران با خودش را صفر در نظر گیرند و چنانچه بین یک پیشران با پیشران‌های لحاظ شده دیگر هیچ ارتباطی وجود نداشته باشد، امتیاز آن پیشران صفر خواهد بود. ارتباط ضعیف یک امتیاز، ارتباط متوسط دو امتیاز، ارتباط زیاد سه امتیاز و تأثیر بالقوه حرف P را به خود اختصاص می‌دهد. لازم به ذکر است که برای روایی پرسشنامه پیشران‌ها، با توجه به نوع پرسشنامه (نیمه ساختاریافته کیفی) از ابزارهای روایی و پایایی تحقیق کیفی بر اساس روش گوبا و لینکن استفاده شده است. بدین منظور به جهت به دست آوردن قابلیت اعتبار و انتقال (روایی) پرسشنامه‌های یادشده پس از تنظیم در بین تعداد ۵ نفر از خبرگان توزیع و از آن‌ها خواسته شد تا

۵- تحلیل داده

۵-۱- تبیین و تشریح پیشران‌ها

۱. ثبات اقتصادی

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی، ثبات اقتصادی است که امروزه اقتصاددانان پذیرفته‌اند که ثبات اقتصادی شرط لازم برای رشد اقتصادی بالا و مستمر است. فیشر^۱ ثبات اقتصادی را وضعیتی می‌داند که در آن «۱. نرخ تورم پایین و قابل پیش‌بینی باشد. ۲. نرخ واقعی بهره، برای سرمایه‌گذاری مناسب باشد. ۳. سیاست مالی عاری از نوسان و اختلال و پایدار باشد و بودجه دولت به‌خوبی مدیریت گردد، به عبارت دیگر نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی به سطح قابل قبولی حفظ شود و فزاینده نباشد و استفاده از اعتبارات سیستم بانکی برای تأمین بدهی‌ها در سطح حداقل قرار گیرد. ۴. نرخ ارز در سطحی نزدیک به مقدار تعادلی آن تعیین گردد.» در مقابل ثبات اقتصادی با چنین مشخصاتی بی‌ثباتی اقتصادی وجود دارد (Nahidi amir khiz, 2018: 73). بی‌ثباتی اقتصادی موجب بی‌اطمینانی فعالان اقتصادی درباره تحولات آینده خواهد شد و در نتیجه آن فعالان اقتصادی نمی‌توانند چشم‌انداز روشن و شفاف از آینده ترسیم کنند. این امر به‌ویژه بر سرمایه‌گذاری تأثیر منفی خواهد گذاشت. از این رو، ثبات اقتصادی از طریق کاهش قابل توجه نااطمینانی و پیشبرد برنامه‌ریزی بلندمدت کمک بسیاری به رشد واقعی اقتصاد می‌کند. ثبات اقتصادی پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری خصوصی را افزایش داده و با تقویت رقابت‌پذیری صادرات تراز پرداخت‌ها را بهبود می‌بخشد. نرخ تورم را می‌توان مهم‌ترین شاخص بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصادی قلمداد نمود. نرخ تورم بالا و نوسان‌های آن هزینه‌های بسیاری را بر اقتصاد کشور تحمیل می‌کند، به‌ویژه اینکه در نرخ‌های تورم بالاتر نوسان‌های نرخ تورم نیز بیشتر می‌شود. از مهم‌ترین هزینه‌های تورم بالا و بی‌ثباتی می‌توان به کاهش نرخ اقتصادی و به تبع آن کاهش سطح رفاه عمومی از یک سو و تغییر و توزیع درآمد، ثروت و رفاه به زیان اقشار کم‌درآمد جامعه از سوی دیگر اشاره کرد. چراکه در فرایند تورمی، قیمت تمام کالاها به یک نسبت افزایش نمی‌یابد، در نتیجه فعالان اقتصادی نمی‌توانند تغییرات قیمت‌های نسبی را از تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها به‌خوبی تفکیک کنند. این اختلال در شناسایی قیمت‌های نسبی موجب کاهش قدرت علامت‌دهی قیمت‌ها و اختلال در تضمین بهینه منابع می‌گردد.

1. Fisher

البته هرچه نوسان‌های نرخ تورم بیشتر باشد این اخلال در سیستم قیمت‌ها نیز تشدید می‌گردد. تورم بالا و بی‌ثباتی موجب نا اطمینانی فعالان اقتصادی درباره تحولات آینده خواهد شد و فعالان اقتصادی نمی‌توانند چشم‌انداز روشن و شفافی از آینده ترسیم نمایند، این امر به‌ویژه در سرمایه‌گذاری تأثیر بسیار منفی خواهد گذاشت، ایجاد و حفظ یک محیط باثبات اقتصادی مستلزم تغییرات اساسی در ساختار مالی دولت و برقراری اصل مهم انضباط مالی است.

با نگاهی به وضعیت اقتصادی کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌ویژه در سال‌های اخیر، درمی‌یابیم که ایجاد ثبات اقتصادی و حفظ تعادل در آن به یک مسئله مهم تبدیل شده است. مشکلات به وجود آمده در نرخ ارز، صادرات و واردات، سرمایه‌گذاری‌های خارجی، تورم به‌عنوان مسائلی هستند که ارتباط مستقیمی با مسائل اجتماعی و فرهنگی همچون اعتماد عمومی در جامعه ایرانی دارند و مادامی‌که نتوانیم این مشکلات و مسائل به وجود آمده در ثبات اقتصادی را حل و فصل نماییم نمی‌توان انتظار وجه مثبت از اعتماد عمومی را در جامعه بین افراد داشت بلکه در صورت استمرار این دسته از مشکلات اقتصادی بی‌اعتمادی مردم نسبت به مسئولان و نظام سیاسی بیشتر خواهد شد؛ بنابراین لازم است تا با پرداختن به حل مشکلات اقتصادی که نتایج خود را در ایجاد مشکلات فرهنگی و اجتماعی نشان می‌دهد شرایط را به سمت وسوی بهبود و بهتر شدن بکشانیم (Marakheh, 2020: 32).

۲. آموزش شهروندان

آموزش سیاسی شامل کوشش‌های برنامه‌ریزی شده مستقیم و غیرمستقیمی می‌شود که طبق آن نگرش‌ها و گرایش‌های سیاسی به همراه راهکارهای عملی از جانب عده‌ای به عده دیگر انتقال می‌یابد. به‌طور کلی هدف از این گونه آموزش‌ها تربیت شهروند سیاسی است و از این منظر شهروند سیاسی به فردی اطلاق می‌شود که صاحب بینش و شناخت و اطلاعات سیاسی است. به امور و حوزه سیاسی اهمیت می‌دهد. در فرآیندها و انتخابات سیاسی به‌صورت داوطلب مشارکت می‌کند. روندهای جاری و کانون‌های قدرت را زیر نظر دارد و در حد توان نقد می‌کند و نقد او تنها به ایراد، اشکال و نفی ختم نمی‌شود بلکه جنبه تأیید و تشویق و تجلیل هم دارد، گرچه ممکن است برای برخی نقدها هزینه‌هایی را هم بپردازد. خلاصه فردی با چنین ویژگی‌هایی به‌صورت نسبی در تعیین سرنوشت خویش حساس و فعال است و از حقوق اساسی خویش و دیگران دفاع و حمایت می‌کند. این گونه آموزش‌ها معمولاً توسط خانواده، مدرسه، رسانه‌های جمعی، شبکه‌های مجازی، جامعه مدنی و احزاب سیاسی صورت می‌گیرد. شهروندانی که از آموزش سیاسی صحیح و واحد برخوردار

باشند، مشترکات بیشتری در اهداف و مسیر رسیدن به آن دارند در نتیجه اعتماد در جامعه را افزایش می‌دهند (Goftar no, 2018).

۳. کارآمدی نظام سیاسی

کارآمدی^۱، معمولاً همراه با کارایی^۲ استفاده می‌شود و با اثربخشی (میزانی که یک اقدام یا فعالیت به هدف پیش‌بینی شده خود می‌رسد) و تقریب به هدف هم‌معنی گرفته می‌شود و گاهی به معنای «میزان موفقیت در تحقق هدف‌ها و یا انجام مأموریت» بیان شده است. این اصطلاح از چندین دهه گذشته از علم مدیریت به عرصه سیاست و حوزه علوم سیاسی وارد شده است و امروزه مورد توجه اندیشمندان علم سیاست قرار گرفته است. کارآمدی و مقبولیت و مشروعیت واژه‌هایی هستند که ارتباط مستقیم با یکدیگر برقرار می‌کنند تا آنجا که کارآمدی را مشروعیت ثانویه بیان می‌نمایند. هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت. کارآمدی یکی از ابعاد به دست آوردن مشروعیت است زیرا از طریق آن می‌تواند رضایت مردم که منجر به مقبولیت آن است را کسب نماید. کارآمدی را می‌توان توانایی و قابلیت اداره نظام توسط کارگزاران و مسئولان در صورتی که رضایت مردم را نیز به همراه داشته باشد، دانست. در نتیجه کیفیت حکمرانی و انجام وظیفه در قبال مردم و کسب رضایت آنان اهمیت می‌یابد. هم‌چنین نظام کارآمد عبارت است از نظامی که مبتنی بر ارزش‌ها و بینش‌های خویش، توانایی و قابلیت دارد با تکیه بر عوامل ایده‌ای، ساختاری و کارگزاری و رفتاری با در نظر گرفتن امکانات و موانع در عرصه‌های مختلف اهداف خویش را محقق سازد و جامعه را به سوی کمال مطلوب خویش سوق دهد (Akhavan and Keshavarz, 2020: 14). بنابراین هر جامع‌هایی که نظام سیاسی کارآمدتر داشته باشد مردم اعتماد بیشتری به آن نظام خواهند داشت.

۴. عدالت اجتماعی

تاریخ پیدایش مفهوم عدالت در زمان باستان مربوط می‌شود مفهوم عدالت را مانند بسیاری از مفاهیم فلسفی و عملی، برای اولین بار فیلسوفان یونان باستان مورد بررسی عقلی و استدلالی قرار دادند. یونانیان باستان عمدتاً کمال را در طبیعت می‌جستند و انحراف از مسیر و منزلت طبیعی را موجب نقصان و خسران می‌دانستند. به عقیده‌ی آنان عدالت به‌عنوان والاترین فضیلت‌ها عبارت از قرار گرفتن هر چیز در جایگاه طبیعی خود آن‌ها وضعیت طبیعی موجودات را وضعیت مطلوب و عادلانه

1 Effectiveness

2 Efficiency

تلقی می‌کردند و از این رو صفات غیرطبیعی را مترادف با ظالمانه بودن به کار می‌بردند (Nili, 2012: 16). عدالت یعنی اینکه هر چیزی در جای خودش قرار گیرد و حق به صاحبش برسد به عبارت دیگر، دستمزد هر کسی به اندازه‌ی تلاشش باشد، همچنین به اندازه توانایی و ظرفیتش کار کند.

عدالت ابعاد زیادی دارد که مهم‌ترین بعد آن عدالت اجتماعی است چراکه اگر عدالت در بین مردم و جامعه تحقق می‌یابد. تعاریف بسیاری از عدالت اجتماعی شده است از جمله: «عدالت اجتماعی به معنای دادن حق به صاحبانش به تناسب حوزه‌های مختلف مشتمل بر عدالت سیاسی، عدالت قانونی و عدالت اقتصادی و... است». «عدالت اجتماعی عبارت است از برابری طبقاتی در مقابل قانون و اجرای آن؛ یعنی تمام اراده بشر در مقابل قانون و اجرای آن برابرند و از جهات حقوق انسانی، نژادی و اجتماعی و قانونی هیچ کس بر دیگری امتیاز ندارد.» زمانی که در جامعه‌ای عدالت اجتماعی وجود داشته باشد در معنای واقعی، افراد آن جامعه اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند و هیچ‌گاه رهبر و حاکم خود را تنها نخواهند گذاشت؛ و چنانچه مردم عدالت را لمس کرده باشند و از حاکمیت خود کاملاً راضی بوده و یک رابطه همدلی و احساسی بین مردم و حاکمیت برقرار می‌شود و در صورت بروز مشکل در جامعه به‌طور داوطلبانه درصدد رفع آن مشکل برمی‌آیند (Sayehmiri and Jani, 2020: 214-212) بنابراین به‌طور کلی می‌توان گفت که حضور و وجود عدالت در جامعه، رضایت عامه مردم و اعتماد آنان را در پی خواهد داشت.

۵. شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی در حقیقت یکی از ابزارهای قدرتمندی هستند که توانسته‌اند به‌طور عمده بر روی اعتماد عمومی تأثیر بگذارند. اعتماد عمومی به معنای اعتماد و اطمینان مردم درباره یک شخص یا یک سازمان خاص است. وقتی که اعتماد عمومی در جامعه بالا باشد، روابط اجتماعی که بر اساس اعتماد متقابل می‌باشند قوی‌تر و پایدارتر خواهند بود. شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به دو شکل بر روی اعتماد عمومی تأثیر بگذارند: ایجاد نقشه علاقه‌مندی‌ها و ارتباط بین افراد و تأمین اطلاعات. اولاً، شبکه‌های اجتماعی فرصتی را به افراد می‌دهند تا با افراد دیگری که نظرات و علاقه‌های مشابهی دارند، ارتباط برقرار کنند. این ارتباطات جدید، اعتماد عمومی را بین افراد افزایش می‌دهد. به‌عنوان مثال، در شبکه‌های اجتماعی می‌توانیم با افرادی که به علایق یکسانی مانند سیاست، ورزش، هنر و... علاقه داریم، ارتباط برقرار کنیم. این ارتباطات می‌توانند باعث شکل‌گیری گروه‌های علاقه‌مندی مشابه شوند که از طریق آن‌ها می‌توان اطلاعات و تجربیات را با یکدیگر به اشتراک بگذاریم و از طریق این اطلاعات میزان اطمینان و اعتماد به همدیگر افزایش یابد. ثانیاً،

شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به معنای تأمین اطلاعات به صورت آنی و به‌روز باشند و بتواند به سرعت خبرها و اخبار را به اشتراک بگذارد. برخی از این اطلاعات توسط شرکت‌ها است که آنچه را که ما می‌بینیم و به آن نسبت می‌دهیم در بسیاری از صورت‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد. این فرآیند می‌تواند اثرات مثبت یا منفی روی اعتماد عمومی داشته باشد، بسته به اینکه آیا این اطلاعات صحیح، قابل‌اعتنا و تأیید شده است یا خیر. از طرف دیگر، اطلاعاتی که توسط کاربران عادی در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته می‌شود نیز می‌تواند بر اعتماد عمومی تأثیرگذار باشد. در این صورت، ارائه اطلاعات دقیق و معتبر و رعایت حریم خصوصی در عملکرد شخصی افراد، نقش مهمی در حفظ و افزایش اعتماد عمومی خواهد داشت؛ بنابراین، شبکه‌های اجتماعی اگر به طرز مسئولانه‌ای مورد استفاده قرار گیرند، می‌توانند به افزایش اعتماد عمومی بین افراد کمک کنند؛ اما در عین حال، باید همواره احتیاط و دقت لازم را در استفاده از این شبکه‌ها رعایت کنیم.

۶. امنیت

امنیت را می‌توان مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت در مورد افراد، نبود ترس، بیم و دلهره نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع فردی و اجتماعی، به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها و مصون بودن از تهدید و حوادث و هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد دانست. امنیت طبق نمودار زیر به چند دسته تقسیم می‌شود:



الف) امنیت مالی: «به معنای ایجاد آن‌چنان نظم‌ی در اجزاء و بخش‌های مختلف اقتصادی جامعه است که افراد را از احساس خطر، نسبت به کمبود و فقدان لوازم و امکانات اساسی مورد نیاز خود مصون دارد. نمونه بارز تعریفی این بعد امنیت، بازار و بانک است. وسیله اصلی ارتباطی در این نوع واحد، پول است؛ یعنی در بازار و بانک، ثروت مادی و پول ذخیره شده و روابط غالب بین کنشگران، از نوع روابط مبادله‌ای، باید در محیطی امن صورت گیرد. وجود امنیت را در این بعد با شاخصه‌هایی نظیر سرمایه‌گذاری‌ها، توزیع عادلانه ثروت، استفاده از امکانات به‌طور یکسان، مبارزه با مفاسد اقتصادی و اداری، اختلاس، کاهش عوارض مختلف دولتی و تعرفه‌های معقول و غیر ضروری و ثبات بازار مشخص می‌سازند» (Salehyamiri and other, 2011: 7).

ب) امنیت جانی: «به معنای تضمین جسم و جان در مقابل خطرات و آسیب‌هایی است که مانع از ادامه حیات آنان شود، به عبارت دیگر: هرگونه تهدیدی که علیه جان انسان‌ها وجود داشته باشد، امنیت جانی آن‌ها را از بین می‌برد، بنابراین، شرایط امنیت جانی شرایطی است که هیچ‌گونه تهدیدی علیه جان افراد جامعه وجود نداشته باشد».

ج) امنیت سیاسی: «به معنای فراهم نمودن امکان اظهارنظر برای افراد، پیرامون چگونگی اداره جامعه و شرکت در این گونه امور، بدون احساس بیم و هراس است».

د) امنیت اخلاقی: «به معنای تضمین اصول و الگوهای اخلاقی در روابط و مناسبات افراد است، توجه به اخلاق در مطالعات امنیتی، در حال رشد است. هدف از مطالعه آن در پژوهش‌های مختلف این است که زندگی و زیست مناسب‌تری را برای انسان به ارمغان آورد».

ه) امنیت اجتماعی: «باری بوزان^۱ امنیت اجتماعی را قابلیت حفظ الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول می‌داند. درواقع او، امنیت اجتماعی را به حفظ ارزش‌ها و هویت گروهی تقلیل می‌دهد و مقصود از آن را، چگونگی حفظ و دفاع از ارزش‌ها و هویت‌ها می‌داند. منابع اصلی برای تأمین امنیت اجتماعی شامل: هنجارهای اجتماعی یا ابزار کنترل درونی، دوست یا ابزار کنترل بیرونی و گروه‌های هویتی است. امنیت اجتماعی یکی از شاخصه‌های اساسی رفاه اجتماعی است که می‌توان آن را در یک شبکه علت و معلولی موردبررسی و ارزیابی قرارداد، بدین لحاظ، امنیت اجتماعی، به توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات واقعی یا احتمالی مربوط است» (Paspary and other, 2015: 15) اگر افراد جامعه ایرانی بتوانند احساس امنیت را در ابعاد مختلف احساس کند و یا نکند به همان میزان اعتماد آن‌ها نیز کمتر یا بیشتر خواهد شد.

۷. شایسته‌سالاری

کلمه شایستگی در لغت به معنای سزاواری، درخور بودن و مناسب بودن و لیاقت داشتن است. هنگامی که می‌گوییم فردی برای کاری یا منصبی شایسته است، به این معنا است که آن فرد برای کار و منصب، فردی درخور، سزاوار و مناسب است و صلاحیت و لیاقت لازم را برای انجام آن کار دارد. شایسته‌سالاری نیز در اصطلاح، به معنای نظام و سیستمی است که در آن نظام و سیستم انتخاب و انتصاب و رتبه گرفتن افراد بر اساس توانایی و تجارب آن‌ها در زمینه موردنظر باشد نه بر اساس

1. Bari Buzan

روابط شخصی، یا خویشاوندی، وابستگی حزبی و روابطی از این قبیل. فرهنگ‌نامه امریکن هریتیج^۱ نیز شایسته‌سالاری را به دو معنا آورده است: «یکی به معنای نظام و دستگاهی که در آن، پیشرفت بر مبنای توانایی یا موفقیت فردی است و دیگری به معنای گروهی از رهبران و صاحب‌منصبان که بر مبنای توانایی و موفقیت فردی برگزیده شده‌اند.» از نظر زیمدارس^۲ «شایسته‌سالاری بدین معنا است که در گزینش افراد، به جای روابط، به ضوابط و قوانین و مقررات توجه شود و به جای ذهنیات، علم و منطق و واقعیت‌های عینی مدنظر قرار گیرد؛ به طوری که افراد بر اساس مهارت‌ها و قابلیت‌ها گزینش شوند، به تمامی داوطلبان در زمینه جذب، فرصت برابر داده و از هرگونه تبعیض جلوگیری شود و بر اساس سنجش توانایی‌ها و استعدادهای افراد، ابزارهای علمی مورد استفاده قرار گیرد». برخی از نویسندگان نیز شایسته‌سالاری را «شیوه‌ای از اداره و مدیریت دانسته‌اند که در آن، متصدیان بر اساس توانایی و شایستگی‌شان برگزیده می‌شوند، نه بر پایه توان مالی یا موقعیت خانوادگی و اجتماعی‌شان» در برخی تعاریف نیز شایسته‌سالاری یک فرایند دانسته شده که دارای مراحل مختلف است. برای نمونه، یکی از صاحب‌نظران شایسته‌سالاری را فرایندی پیوسته در حال تحول می‌داند که از شایسته‌گزینی آغاز شده و به شایسته‌پروری و شایسته‌پرداز می‌ختم می‌شود. گرچه تعریف‌های مختلفی برای شایسته‌سالاری وجود دارد، اما می‌توان گفت مقصود از شایسته‌سالاری، حاکمیت نظام و دستگاهی است که در آن، گزینش و به کارگیری و نصب و عزل افراد در امور مختلف، بر اساس ویژگی‌هایی همچون دانش، تجربه، توانایی، کاردانی و لیاقت آنان صورت پذیرد و صلاحیت و شخصیت ذاتی خود افراد ملاک و معیار اصلی باشد. نه آنکه به جای ضوابط، روابط تعیین‌کننده جایگاه افراد باشد و عواملی همچون پول و ثروت، قدرت و مکتب و نسبت‌های خانوادگی، قومی و حزبی و جناحی مدنظر باشد (Naderyghomi, 2020: 4).

شایسته‌سالاری به عنوان اصلی مهم که بر این امر تأیید می‌کند که در ایجاد جایگاه افراد و دادن شغل و منصب آن مؤلفه‌ای که تأثیرگذار است نه روابط و مناسبات شخصی و نه رابطه است بلکه مؤلفه مهم ضوابط است؛ زمانی که ضابطه‌ها جایگزین رابطه‌ها در جامعه باشند این امر بر امور گوناگون همچون اعتماد عمومی نیز تأثیرگذار خواهد بود جوانی با تحصیلات بالا و تخصص لازم زمانی که شاهد این باشد که به جای او فرد دیگری به واسطه ضابطه وارد شغلی شود که لایق اصلی آن جوان بوده است خود به خود دچار بی‌اعتمادی خواهد شد و افراد وقتی در جامعه شاهد این باشند

1. American Heritage
2. Zimdars

که آقازادگان بر مسند قدرت بنشینند و از امکانات فراوان برخوردار باشند بنا بر اینکه پدرشان منصب سیاسی دارند این باعث بی‌اعتمادی عمومی خواهد شد زمانی می‌توان اعتماد را در جامعه نگه داشت و در آینده نیز شاهد آن بود که نظام سیاسی اصل شایسته‌سالاری را مدنظر سیاست‌های خود قرار دهد و با هرگونه روابط مبتنی بر رانت مقابله کند و آنچه افراد را بر منصب قدرت سیاسی می‌نشانند نه روابط شخصی و حزبی و آقا زادگی باشد بلکه تعهد و تخصص و توانایی افراد باشد در این صورت این صورت است که می‌توان شاهد افزایش اعتماد در بین افراد جامعه و رشد آن می‌توانیم باشیم.

۸. قانون‌گرایی

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تأثیرگذار بر اعتماد عمومی در ایران «قانون‌گرایی» است؛ تعریف سازمان ملل از قانون‌گرایی به اصول حاکمیت اشاره دارد که در آن همه افراد و نهادهای خصوصی و دولتی در برابر قانون پاسخگو هستند. قوانینی که به‌طور عمومی منتشر شده‌اند، به‌طور مساوی اجرا می‌شوند، به‌طور مستقل حکم می‌شوند و ضمناً سازگار با حقوق بشر بین‌المللی هستند. بر اساس تعریف بانک جهانی قانون‌گرایی به دنبال محدود کردن قدرت دولت و محافظت از حقوق شهروندان در مقابل سوءاستفاده یا استفاده خودسرانه دولت از قدرتش است. قانون‌گرایی تنها قواعد و مقرراتی نیست که توسط قانون وضع می‌شود، بلکه تضمینی است برای آزادی، حقوق بشر و رفتارهای یکسان با شهروندان در برابر قانون و ایجاد قانونی فراگیر و مساوی بودن تمامی افراد جامعه اعم از شهروندان معمولی و سیاستمداران در پیشگاه قانون که می‌تواند زمینه‌ساز اعتماد عمومی در میان مردم و دولت باشد (Hajyyousefy and Talebi, 2017: 15).

۹. پیوند تنگاتنگ مردم با دولت

ارتباط تنگاتنگ، بدون واسطه دولت و مدیران دولتی با شهروندان باهدف ارتقای آگاهی شهروندان از خدمات دولتی و تبادل نظر بین مردم و دولت برای درک بهتر مسائل عمومی، از عوامل مهم در شکل‌دهی آینده اعتماد عمومی به دولت به‌شمار می‌آید. تحقیقات نشان داده‌اند که ارتباط صمیمی دولت با مردم و ادراک شهروندان از کیفیت خدمات دولتی و مدیریت دولتی تأثیر گذاشته و در نهایت منجر به افزایش اعتماد عمومی به دولت می‌شود (Ghasemi and other, 2019: 11).

۱۰. رانت‌زدایی از اقتصاد و جلوگیری از اختلاس

رانت و اختلاس یکی از اختلال‌هایی است که می‌تواند اقتصاد را دچار فروپاشی سازد؛ رانت به معنای به دست آوردن منافع و سودهای غیرقانونی است؛ رانت‌ها می‌توانند نوعی از فساد در جامعه

باشند که باعث ناامیدی و نارضایتی افراد از قدرت و عدالت در جامعه می‌شود. به عنوان مثال، در جامعه‌هایی که رانت‌های غیرقانونی و ناعادلانه وجود دارد، افرادی که پول، قدرت و رانت‌هایی را دارند، به عنوان برترین افراد در جامعه شناخته می‌شوند و برای دسترسی به این منافع، از روش‌های غیرقانونی و ناعادلانه استفاده می‌کنند. این افراد با تلاش کردن در جهت به دست آوردن رانت‌ها، به عنوان مثال با پرداخت رشوه به مسئولان دولتی، به دنبال افزایش ثروت شخصی خود هستند. این کار باعث می‌شود که افراد دیگری که به دنبال پیشرفت و توسعه در جامعه هستند، احساس بی‌اعتمادی کنند و تلاش بیشتری برای رسیدن به اهداف خود نداشته باشند. در نتیجه، رانت‌ها می‌توانند باعث کاهش اعتماد در جامعه شوند. برای افزایش اعتماد عمومی در جامعه، باید تلاش کرد تا رانت‌ها کاهش یابند و فرصت‌های اقتصادی و شغلی برای همه افراد در جامعه فراهم شود. همچنین، ایجاد فرهنگی از عدالت، شفافیت و رقابت سالم در جامعه می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی در جامعه کمک کند. به عنوان مثال، ایجاد قوانین و مقرراتی که از رانت‌های غیرقانونی و ناعادلانه جلوگیری کنند، به دنبال داشتن یک سیستم قضایی قوی و مستقل، ایجاد فرهنگی از شفافیت و عدالت در جامعه، آموزش و پرورش جامعه‌شناسی و ارتقای سطح آگاهی افراد می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی کمک کند.

اختلاس نیز در لغت به معنای دزدیدن پول موسسه یا اداره دولتی، ربودن، دزدیدن و سوءاستفاده مالی توسط شخص مسئول است (Hatami and Hatami, 2022: 50). اختلاس و رانت به جرائم اقتصادی شناخته می‌شوند که انجام آن‌ها به منفعت عامه و نظام اقتصادی کشور ضربات جبران‌ناپذیری را وارد می‌کند اگر افراد جامعه هرروز شاهد اخبار رانت و اختلاس مسئولین و دولتمردان باشند خود به خود نمی‌توان توقع ایجاد اعتماد را در بین آن‌ها خواهیم داشت بلکه این رانت زدایی و مبارزه با هرگونه اختلاس است که می‌تواند ایجادکننده اعتماد در جامعه باشد اگر مردم هرروز شاهد انواع فساد و جرائم اقتصادی همچون فساد و رانت باشند به مرور زمان اعتماد خود را نسبت به هرگونه حل مشکلات و حکومت از دست خواهند داد و این نتیجه جز بی‌اعتمادی عمومی در پی نخواهد داشت.

۱.۱. رفاه اجتماعی

رفاه در لغت به معنی تن‌آسانی، آسودگی و آسایش و برخورداری از امکانات مادی است. در خانواده پدر و مادر مسئولیت رفاه و آسایش افراد خانواده را بر عهده دارند. در اجتماع نیز نهادهای اجتماعی و دولت موظف هستند مسائل مورد نیاز کلیه افراد جامعه به خصوص گروه‌های

آسیب‌پذیر و نیازمند را در زمینه‌های مسکن، آموزش، تغذیه و بهداشت و امنیت تأمین و مانع بروز بیکاری، اعتیاد، ناامیدی اجتماعی، بزهکاری، ناامنی در جامعه شوند؛ به عبارت دیگر زمینه‌های به وجود آوردن رضایت‌مندی و افزایش کیفیت زندگی شهروندان را فراهم سازند. با در نظر گرفتن ابعاد متنوع زندگی انسان، رفاه اجتماعی این گونه تعریف می‌شود: «رفاه اجتماعی عبارت است از مجموعه سازمان‌یافته‌ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی باهدف پاسخ‌گویی به نیازهای مادی، معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می‌شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد». در اصل رفاه اجتماعی به مجموعه شرایط و کیفیت‌هایی گفته می‌شود که تأمین‌کننده نیازهای جسمی، روانی، اجتماعی آحاد جامعه است و به وجود آورنده احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. ارائه تعریفی از رفاه اجتماعی که مورد توافق همگان باشد وجود ندارد و هر یک از اندیشمندان در تعریف آن به یک جنبه یا مؤلفه‌ای خاص اشاره کردند که در جدول زیر بدان اشاره می‌کنیم:

جدول-۲. تعاریف مختلف رفاه اجتماعی (Zahedi asl, 2002: 7)

۱. نظامی جامع از خدمات و برنامه‌های اجتماعی به منظور گسترش عدالت، توسعه و نقش اجتماعی مردم
۲. دربرگیرنده وضعیت مناسبی در عرصه‌هایی مانند سلامت و بهداشت و درمان
۳. آموزش و مهارت‌آموزی
۴. تأمین مسکن، توزیع ثروت، بازار کار و دستمزد، اشتغال و پرداخت کمک‌هزینه‌های اجتماعی
۵. گسترش برنامه‌های خدمات انسانی و اجتماعی
۶. تسهیلات تفریحی و سرگرمی
۷. کنترل مسائل اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر
۸. تسهیلات تفریحی و سرگرمی
۹. گسترش سازمان‌های داوطلبانه
۱۰. سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی
۱۱. گسترش و تقویت سازمان‌های اشتراکی

هر کدام از این شاخصه‌های مطرح شده در جدول بالا می‌توانند تولیدکننده اعتماد در جامعه باشند و ارتباط مستقیمی را با آن برقرار سازند.

۱۲. سرمایه اجتماعی

پانتم در مورد مفهوم سرمایه اجتماعی معتقد است که مفهوم سرمایه اجتماعی در سطحی فراتر از سطح فردی، قرار دارد و آن شامل خصوصیات از سازمان‌های اجتماعی همچون شبکه‌ها، معیارها، اعتماد است که موجب تسهیل همکاری و هماهنگی دوجانبه بین افراد می‌شود. همچنین از منظر وی سرمایه اجتماعی یک دارایی جمعی و یک کالای عمومی در گروه‌های اجتماعی محسوب می‌شود که از طریق ایجاد منفعتی همچون اعتماد، بده بستان و تعهدات ناشی از آن به تسهیل تعاملات و مشارکت بین افراد و گروه‌ها منجر می‌شود. در یک تعریف مشخص‌تر از سرمایه اجتماعی «منظور من از سرمایه اجتماعی، مشخصات زندگی اجتماعی است. شبکه‌ها، معیارها و اعتماد که سبب می‌شود تا شرکت‌کنندگان در فعالیت مشترک کاراکنتری برای تعقیب اهداف مشترک خود وارد شوند». آنچه از تعاریف سرمایه اجتماعی وجود دارد نشان‌دهنده این است که این مفهوم دارای مفاهیمی همچون اعتماد، امید و همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه بوده است به نحوی که گروه را به هدفی که بر مبنای ارزش‌ها و معیارهای در جامعه مثبت تلقی شود هدایت می‌کند. وقتی سرمایه اجتماعی به‌طور فراگیر در یک جامعه تقویت شود، اعتماد عمومی به دولت افزایش پیدا می‌کند (Pakseresht, 2015: 17).

۱۳. شکاف طبقاتی و نابرابری اجتماعی

نابرابری‌های اجتماعی و استمرار فاصله طبقاتی، یکی از معضلات جوامع بشری است. نابرابری یکی از جنبه‌های عمومی و همیشگی جوامع انسانی است. تمایزهای فردی از قبیل توانایی‌های ذاتی، انگیزشی و تمایلات گوناگون افراد و تفاوت‌های اجتماعی از جمله متفاوت بودن شیوه زندگی، حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازهایی که جامعه برای افراد قائل می‌شود و به صورتی نهادی درمی‌آیند، موجب بروز نابرابری‌اند. در تمامی اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی بر اهمیت برابری به‌منزله یک حق تأکید می‌شود، هرچند چنین تأکیدی به دلیل فقدان ضمانت اجرایی، کاربرد چندانی ندارد. بر این اساس، برخلاف آرمان‌ها و ارزش‌های مکاتب و اندیشه‌های برابری خواه نابرابری همواره واقعیتی آزاردهنده بوده است، به‌ویژه هنگامی که نابرابری با کاهش قدرت خرید مردم همراه باشد، کلیت نظام اجتماعی را به چالش می‌گیرد و خطر شورش‌ها، بحران‌ها و اضمحلال نظام را در بردارد و این در حالی است که همه فرهنگ‌ها درصدد توجیه، مشروع سازی و یا دست کم تبیین هنجاری آن برآمده‌اند. از دسته عواملی که در جهت توجیه و مشروع سازی نابرابری‌ها برآمده است، نگرش افراد جامعه و ذهنیت آن‌ها نسبت به امکانات و امتیازات و فرصت‌هایی است که عده‌ای باید

دارا باشند وعده‌ای حقی نسبت به آن‌ها ندارند. هنگامی که انباشت بیش از حد ثروت در دست بخش کوچکی از جامعه به اوج خود رسیده که این مسئله به جدایی بیشتر طبقات منجر شود شکاف طبقاتی در جامعه رخ می‌دهد. شکاف طبقاتی و ثروتمند شدن طبقات مرفه و فقیرترین شدن دهک‌های پایین در آمدی، اعتماد عمومی و اعتماد میان مردم و مسئولان را کاهش خواهد داد. هرچه شکاف طبقاتی در جامعه بیشتر شود، شاهد کاهش اعتماد مردم نسبت به مسئولین جامعه خواهیم بود؛ و در حال حاضر افزایش تورم، تحریم‌های اقتصادی، رکود در بازار کار، حقوق‌های نجومی برخی از مسئولین باعث افزایش شکاف طبقاتی می‌شود و این شکاف طبقاتی و نابرابری اقتصادی منجر به افزایش بی‌اعتمادی مردم نسبت به مسئولان شده است (Ghadery and other, 2022: 10).

۱۴. پاسخ‌گویی و شفافیت

شفافیت از لحاظ لغوی «امکان نگاه کردن به درون چیزی است» برای فهم آنچه در درون آن می‌گذرد. هم‌چنین بر قابلیت دسترسی به اطلاعات دلالت دارد. درواقع شفافیت اطلاعات فراوانی را که درباره حکومت وجود دارد را تضمین می‌کند که به‌سادگی در اختیار و دسترس مردم قرار گیرد. این اطلاعات می‌بایست به‌روز و قابل فهم باشد تا گروه‌های مدنی و افراد علاقه‌مند نسبت به مسئله مدنظرشان آگاهی کسب نمایند. چهار عامل؛ اطلاعات، مشارکت، پاسخ‌گویی و پنهان‌کاری؛ برای شناسایی شفافیت در سازمان‌ها احصا شده‌اند. که نشان از ارتباط تنگاتنگ شفافیت و پاسخگویی است. در حقیقت، پاسخگویی تعهدی است از طرف دولت است به‌منظور احترام گذاردن به کسانی که تحت تأثیر برنامه‌ها، تصمیمات و مداخلات آن در چارچوب فرایندهای مسئولیت‌پذیری و قابلیت اجرا قرار دارند. پاسخگویی تصویری از برابری، عدالت، انصاف و اعتماد را به ذهن مردم متبادر می‌کند (Sohraby and other, 2022: 8).

۱۵. حل اختلافات و منازعات سیاسی

به‌طور کلی منازعه به رابطه تعارض‌آمیز آگاهانه میان افراد و گروه‌ها برای کنترل ارزش‌ها، فرصت‌ها و امتیازات مطلوب و محدود است. در این شرایط، بازیگران دیگری را به‌گونه‌ای متفاوت درک می‌کنند. کوزر منازعه را چنین تعریف می‌کند: «مبارزه بر سر ارزش‌ها و مطالبه منزلت، قدرت و منابع نادر که در آن هدف هر یک از طرفین خنثی کردن، صدمه زدن یا نابود ساختن رقبای خویش است.» منازعه هم می‌تواند در سطح سیاسی و اجتماعی وجود داشته باشد؛ در سطح سیاسی، منازعه، بر روابط نیروهای سیاسی بر پایه کشمکش و ناسازگاری‌های آشکار دلالت دارد. اگر مؤلفه اصلی منازعه را تعارض آگاهانه و نسبت مستمر افراد و گروه‌ها و تلاش‌های متقابل آن‌ها برای دستیابی

هرچه بیشتر به اهداف، منابع و ارزش‌های مورد اختلاف و محروم کردن یکدیگر از این اهداف، منابع و ارزش‌ها بدانیم، چنین فرایندی لزوماً با توسل به خشونت همراه نخواهد بود و می‌تواند به استفاده طرفین از ابزارهای متنوع غیر خشونت‌آمیز به پیش رود. در هر صورت منظور از منازعه سیاسی عبارت است از «هر نوع رویارویی آشکار، عمومی و نسبتاً بادوام، خواه خشونت‌آمیز، خواه مسالمت‌آمیز، خواه نامنظم، خواه منظم، بین افراد و گروه‌ها بر سر منابع، قلمرو و نحوه اعمال قدرت سیاسی که این رویارویی‌ها از حد توافقی‌ها و مجادلات معمولی میان کارگزاران سیاسی بالاتر می‌روند و به صورت جبهه‌بندی‌ها و رویارویی‌های پایدارتری که حفظ یا تغییر وضع موجود را هدف قرار می‌دهند ظاهر می‌شوند.» در کنار منازعات حل منازعات را هم داریم؛ حل منازعات در معنای عام، به فرایندی گفته می‌شود که طی آن، اختلافات و برخوردهای میان دو یا چند طرف به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز و رضایت‌بخش، حل و فصل شود و حل منازعات سیاسی را می‌توان «فرایند حل و فصل اختلافات و برخوردهای میان دولت و نیروهای رقیب به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز و مورد رضایت طرفین تعریف کرد» (Mehdipour and other, 2017: 14).

جمهوری اسلامی ایران هم در سال‌های اخیر شاهد منازعات و اختلافات سیاسی بوده است، واگرایی میان قوا، اختلافات و کشمکش‌ها میان مسئولان، تنش و اختلاف میان جریان‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی فعال در عرصه سیاسی، نمونه‌هایی از اختلافات و منازعات در جامعه ایرانی هستند. وجود منازعات و اختلافات سیاسی می‌تواند سرچشمه‌ای برای ایجاد بی‌اعتمادی در بین افراد جامعه باشد، زمانی که شهروندان با این امر مواجه می‌شوند که سیاستمداران به جای پرداختن به مسائل و مشکلات مهم کشور دچار اختلاف و تنش هستند این خود زمینه‌ساز بی‌اعتمادی در بین افراد خواهد شد؛ بنابراین افراد حاضر در رأس کار موظف بر این هستند که در جهت کاهش اختلافات و تنش‌ها و پایان بخشیدن به کشمکش‌ها تلاش کنند و همواره منافع ملی را بر منافع شخصی و حزبی مقدم بدانند و بر اساس قانون اساسی به عنوان سرلوحه عمل اقدام کنند.

۵-۲- تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار میک مک

در جدول شماره دو امتیازات هریک پیشران‌های به‌دست آمده در ردیف‌ها و ستون‌های جدول ماتریس متقاطع نشان داده شده است. بر اساس تحلیل نرم‌افزاری پیشران‌های پاسخ‌گویی و شفافیت، کارآمدی نظام سیاسی، عدالت اجتماعی، شکاف طبقاتی، رانت زدایی از اقتصاد و جلوگیری از اختلاس دارای بیشترین تأثیرگذاری هستند و پیشران‌های پاسخ‌گویی و شفافیت، پیوند تنگاتنگ دولت با مردم، عدالت اجتماعی، امنیت دارای بیشترین تأثیرپذیری هستند.

شناسایی و تحلیل پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران

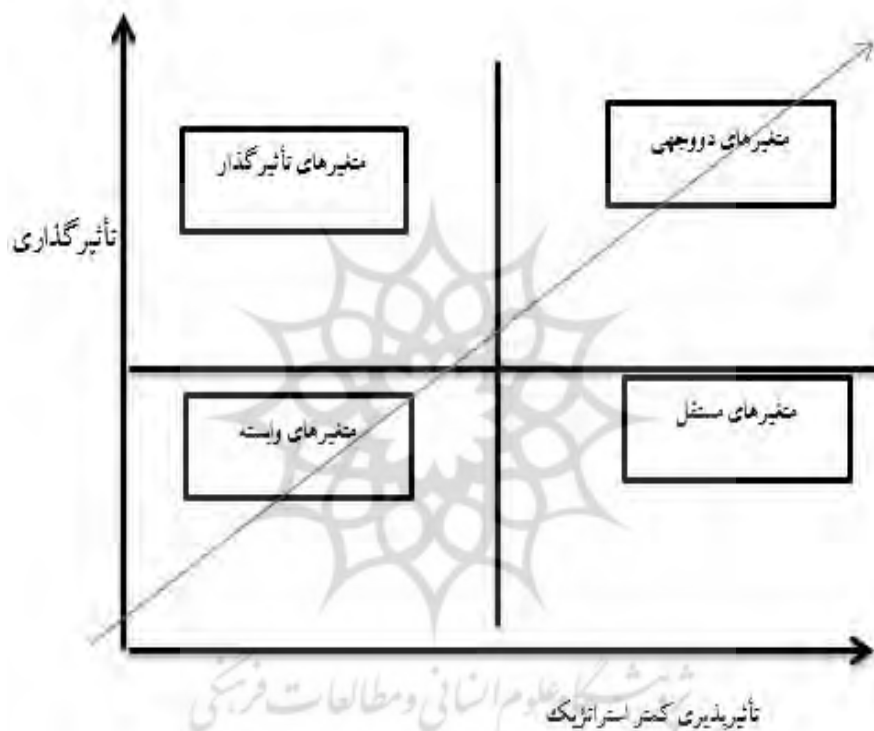
جدول-۳. تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پیشران‌های آینده اعتماد عمومی در ایران (برگرفته از نرم‌افزار میک مک)

N°	VARIABLE	TOTAL NUMBER OF ROWS	TOTAL NUMBER OF COLUMNS
1	ثبات اقتصادی	36	33
2	آموزش شهروندان	19	26
3	عدالت اجتماعی	38	36
4	شبکه‌های اجتماعی	28	23
5	امنیت	33	36
6	شایسته‌سالاری	30	31
7	قانون‌گرایی	34	34
8	پیوند تنگاتنگ دولت با مردم	27	37
9	رفاه اجتماعی	31	33
10	سرمایه اجتماعی	34	35
11	شکاف طبقاتی	38	34
12	پاسخ‌گویی و شفافیت	40	40
13	کارآمدی نظام سیاسی	39	34
14	رانت‌زدایی از اقتصاد و جلوگیری از اختلاس	37	33
15	حل اختلافات و منازعات سیاسی	31	30
	Totals	495	495

برای تحلیل پیشران‌ها، لازم است متغیرهایی که در این نرم‌افزار و تحلیل‌های آن رایج است تبیین گردند. در تحلیل‌های انجام‌شده بر اساس نرم‌افزار میک مک پنج دسته از متغیرها مطرح می‌شوند. دسته اول متغیرهای تأثیرگذار هستند که در قسمت شمال غربی نمودار نمایش داده می‌شوند. این متغیرها ورودی محسوب شده که از جنس متغیرهای محیطی به شمار می‌روند و در زمره بحرانی‌ترین مؤلفه‌ها قرار می‌گیرند. دسته دوم متغیرها، متغیرهای دووجهی هستند که در ناحیه شمال شرقی نمودار نمایش داده می‌شوند. این متغیرها هم‌زمان به‌صورت تأثیرگذار و بسیار تأثیرپذیر عمل می‌نمایند و ماهیتاً با عدم پایداری آمیخته است. دسته سوم متغیرهای تأثیرپذیر یا وابسته هستند که در ناحیه جنوب شرقی نمودار قرار می‌گیرند. این طیف از متغیرها دارای تأثیرگذاری پایین و تأثیرپذیری بالا هستند و از متغیرهای تأثیرگذار و دو وجهه به‌شدت تأثیر می‌پذیرند. دسته چهارم متغیرهای مستقل یا مستثنی

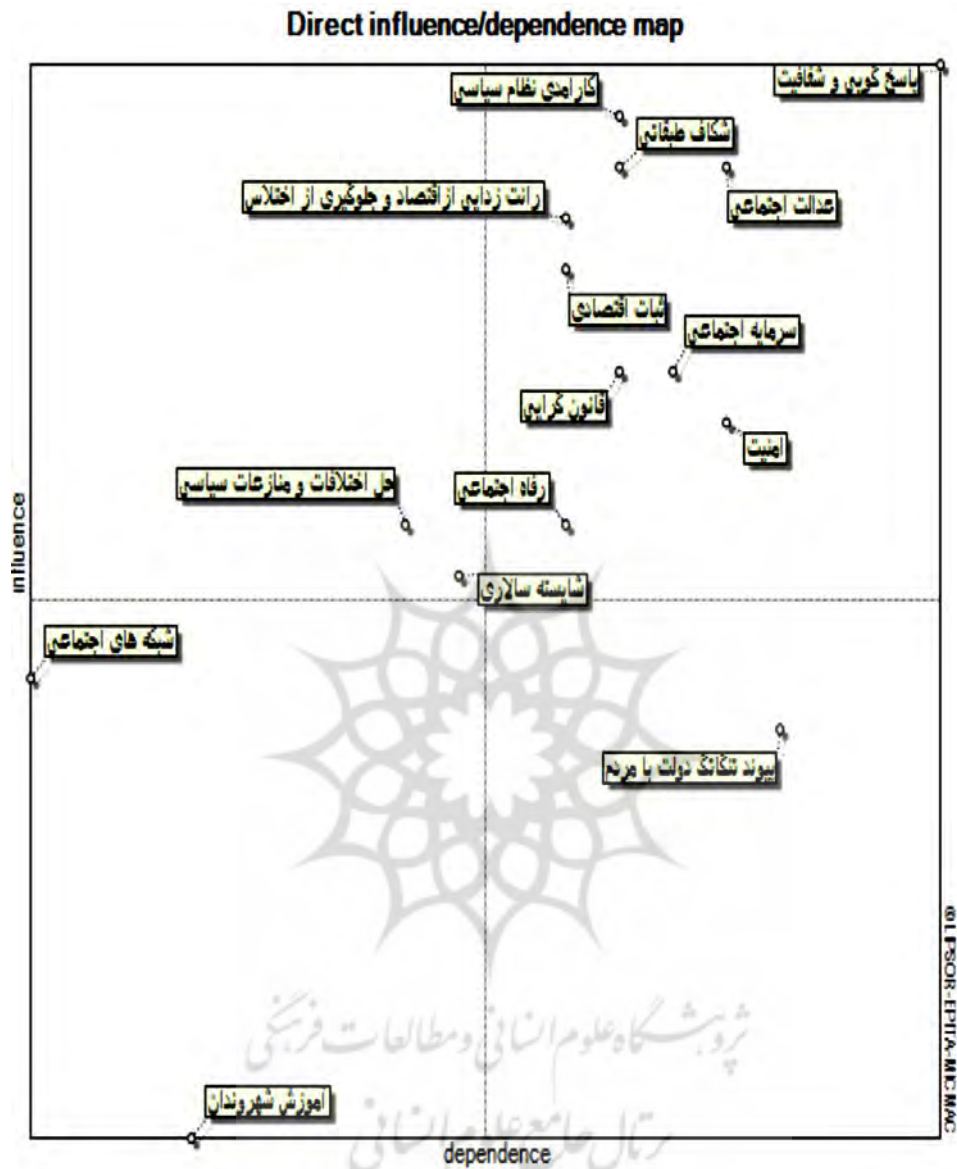
نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

هستند که در قسمت جنوب غربی نمودار نمایش داده می‌شوند. این متغیرها که خود به سه دسته تقسیم می‌شوند کمترین تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر سیستم دارند. متغیرهای تنظیمی دسته پنجم متغیرها هستند که در مرکز نمودار قرار می‌گیرند و ارتباط مناسبی با متغیرهای دسته اول تا سوم دارند. در این میان متغیرهای کلیدی- استراتژیک، متغیرهایی هستند که قابل دست‌کاری و کنترل بوده و بر پویایی و تغییر سیستم تأثیر گذارند. نمودار ذیل وضعیت هریک از متغیرها را نمایش داده است.



نمودار- ۱. تشریح وضعیت متغیرهای چندگانه (نرم‌افزار میک مک)

بر اساس توضیحات ارائه‌شده در خصوص متغیرها و تشریح وضعیت هریک از آنها در نمودار ذیل پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده اعتماد عمومی در ایران نمایش داده شده است.

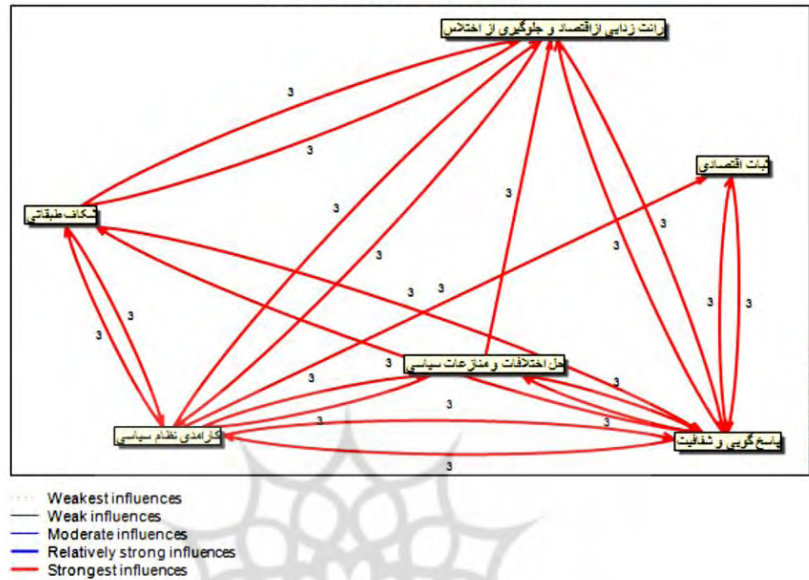


نمودار-۲. وضعیت پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده حکمرانی اعتماد عمومی در ایران (نرم‌افزار میک مک)

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

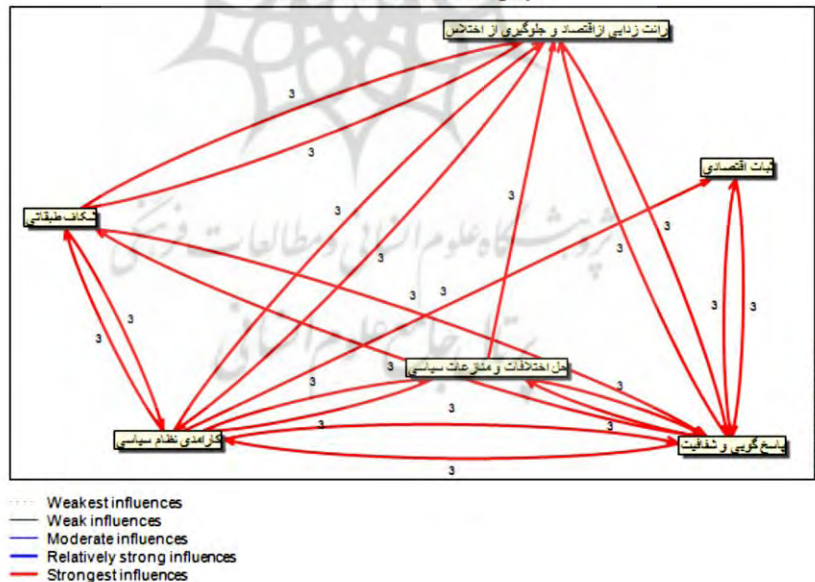
همچنین چنانچه بخواهیم نمودار تأثیرات مستقیم، تأثیرات بالقوه مستقیم و تأثیرات غیرمستقیم بالقوه پیشرانها را بر یکدیگر نشان دهیم، می‌توان آنها را بر اساس نمودارهای ذیل ترسیم نماییم

Potential direct influence graph



نمودار-۳. تأثیر مستقیم پیشرانهای اصلی بر یکدیگر (نرم افزار میک مک)

Potential direct influence graph



نمودار-۴. تأثیرات بالقوه مستقیم پیشرانها بر یکدیگر (نرم افزار میک مک)

۵-۳- دسته‌بندی پیشران‌ها و نتایج حاصل از تحلیل نرم‌افزار

برای مشخص کردن پیشران‌های کلیدی که اثرگذاری بسیار زیادی بر روندهای آینده خواهند داشت پس از تحلیل نرم‌افزار میک مک و شناسایی پیشران‌ها در سه حوزه (دارای تأثیر مستقیم، دارای تأثیر غیرمستقیم، دارای تأثیر مستقیم بالقوه) نسبت به دسته‌بندی آن‌ها اقدام گردید. پیشران‌هایی که در هر سه حوزه دارای اشتراک و تکرار بودند به‌عنوان پیشران‌های کلیدی آینده اعتماد عمومی در ایران شناسایی شدند و سایر پیشران‌ها که فقط در حوزه دارای تأثیر غیرمستقیم و بالقوه اشتراک داشته‌اند به‌عنوان پیشران‌های کمتر استراتژیک شناسایی شده‌اند. پیشران‌ها و یا متغیرهای تنظیمی نیز به علت قرار گرفتن از ابتدا در محیط نرم‌افزاری و همچنین به علت عدم تکرار در هیچ‌یک از این سه حوزه به‌عنوان متغیرهای تنظیمی شناسایی شده‌اند.

جدول-۴. دسته‌بندی متغیرها (نویسندگان)

متغیرهای کلیدی و استراتژیک	متغیرهای کمتر استراتژیک	متغیر تنظیمی
پاسخ‌گویی و شفافیت	حل اختلافات و منازعات سیاسی	شایسته‌سالاری
کارآمدی نظام سیاسی	شبکه‌های اجتماعی	—
شکاف طبقاتی	آموزش شهروندان	—
عدالت اجتماعی	پیوند تنگاتنگ مردم با دولت	—
قانون‌گرایی	—	—
سرمایه اجتماعی	—	—
امنیت	—	—
رفاه اجتماعی	—	—
رانت زدایی از اقتصاد و جلوگیری از اختلاس	—	—

طبق نتایج حاصل از نرم‌افزار که بر اساس پرسشنامه خبرگانی تنظیم گردید، پیشران‌های پاسخ‌گویی و شفافیت، کارآمدی نظام سیاسی، عدالت اجتماعی، شکاف طبقاتی مهم‌ترین پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌روند که لازم است نظام سیاسی و حاکمیتی نسبت به این پیشران‌ها توجه لازم را داشته باشد و در جهت افزایش اعتماد عمومی در جامعه و در میان شهروندان به این پیشران‌ها توجه کافی را مبذول دارد.

نتیجه گیری

اعتماد به عنوان یکی از جنبه‌های مهم و بااهمیت روابط انسانی شناخته می‌شود که تسهیل‌کننده و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری در میان اعضای جامعه است. اعتماد عمومی زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده انسجام اجتماعی است و می‌تواند وحدت را در سیستم‌های اجتماعی حفظ و ایجاد کند. در جامعه ایرانی با توجه به اینکه شهروندان طبق قانون اساسی در مرتبه بالایی قرار گرفته‌اند و مشروعیت نظام نیز به میزان مشارکت آنان وابسته است اعتماد عمومی حائز اهمیت فراوانی است و بی‌اعتمادی عمومی می‌تواند باعث کم‌رنگ شدن حضور افراد جامعه در عرصه‌های مختلف شود. با توجه به اهمیت و ضرورت اعتماد عمومی در جامعه ایرانی در این پژوهش این سؤال ایجاد گردید که پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند؟ برای پاسخ‌دهی به این پرسش ابتدا در قالب یک پرسشنامه خبرگانی از پنج نفر از خبرگان متخصص و دانشگاهی خواستیم تا مهم‌ترین پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده اعتماد عمومی را از منظر خودشان مشخص نمایند و در جدولی مشخص که برای آن‌ها ارسال شد آن‌ها را یادداشت کنند بعد از دریافت پرسشنامه پیشران‌هایی که با همدیگر هم‌پوشانی داشتند در همدیگر ادغام شدند و پیشران‌های اضافی حذف گردیدند و در مجموع پانزده پیشران مهم از میان پیشران‌ها انتخاب گردید و در جدول متقاطع پیشران‌ها جایگذاری شد و از خبرگان خواسته شد که به آن‌ها امتیاز بدهند بعد از دریافت آن و میانگین نظرات خبرگانی داده‌ها را در نرم‌افزار میک میک وارد و طبق داده‌های حاصل از نرم‌افزار در مجموع پیشران‌های پاسخ‌گویی و شفافیت، کارآمدی نظام سیاسی، عدالت اجتماعی، شکاف طبقاتی مهم‌ترین و تأثیرگذارترین پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران شناخته شد که لازم است نظام سیاسی و دولت نسبت به آن‌ها توجه لازم و کافی را داشته باشد چراکه پاسخگویی و شفافیت تعهدی است از طرف دولت به‌منظور احترام گذاردن به کسانی که تحت تأثیر برنامه‌ها، تصمیمات و مداخلات آن در چارچوب فرایندهای مسئولیت‌پذیری و قابلیت اجرا قرار دارند. پاسخگویی تصویری از برابری، عدالت، انصاف و اعتماد را به ذهن مردم متبادر می‌کند، کارآمدی نظام سیاسی با کار ویژه‌هایی همچون ارائه خدمات مؤثر به شهروندان، مدیریت منابع به بهترین شکل ممکن، می‌تواند بر اعتماد عمومی تأثیرات بسیار عمیقی داشته باشد، عدالت اجتماعی بامعنای توزیع عادلانه منابع، فرصت‌ها و حقوق در جامعه است و این مفهوم نه تنها به برابری اقتصادی بلکه به تأمین حقوق، دسترسی به خدمات عمومی و مشارکت در فرایندهای سیاسی نیز اشاره دارد و به‌شدت می‌تواند بر روی اعتماد عمومی تأثیرگذار باشد و شکاف طبقاتی

شناسایی و تحلیل پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران

نیز با ایجاد احساس بی‌عدالتی، افزایش نارضایتی اجتماعی بر روی اعتماد عمومی تأثیرگذار باشد و باعث کاهش اعتماد عمومی شود.

پیشنهادهای

می‌توان موارد زیر را به‌عنوان پیشنهادهایی در جهت افزایش اعتماد عمومی در جامعه مطرح کرد:

۱. شفافیت و اطلاع‌رسانی و ایجاد دسترسی به اطلاعات از طریق اجرایی کردن قانون شفافیت و ایجاد سامانه‌ای برای عموم مردم
۲. پاسخ‌گویی مسئولان در خصوص نارسایی‌ها و مشکلات از طریق ایجاد مکانیسم‌های نظارتی قانونی و عمومی
۳. احترام و تضمین به حقوق و آزادی‌های فردی با پایبندی به اصل تأمین حقوق و آزادی‌های ملت در قانون اساسی و افزایش آگاهی عمومی در خصوص حقوق شهروندی از طریق رسانه‌های نوین ارتباطی
۴. توسعه اقتصادی عادلانه از طریق کاهش نابرابری‌ها در جهت کاهش توسعه نامتوازن شکل گرفته در کشور با تغییر رویکرد نظام برنامه‌ریزی کشور به برنامه‌ریزی منطقه‌ای به جای برنامه‌ریزی تمرکزی ملی.
۵. تقویت مشارکت سیاسی شهروندان از طریق ایجاد بسترهای مشارکت، کاهش نظارت استصوابی، حضور جریانات سیاسی پایبند به قانون در عرصه انتخابات و...
۶. کاهش دخالت دولت در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی و کاهش تصدی‌گری در حوزه‌های اقتصادی
۷. توازن سازی بین هویت دینی و هویت ملی و ایجاد حس تعلق از طریق تقویت هویت ملی، برگزاری مراسمات و رویدادهای اجتماعی که با هویت ملی جامعه سنخیت دارد.
۸. تعامل با رسانه‌ها از طریق حمایت از رسانه‌های مستقل و برقراری ارتباط مؤثر با رسانه‌ها

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش‌رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

Translated References to English

- Akhavan, n, keshavarz, a. (2020). The model of measuring and evaluating the efficiency of the Islamic revolution. *Islamic Revolution Research Quarterly*, 20(4), 7-27. [In Persian]
- Ali akbari, r. (2013). Future research in the light of dynamic expectation with emphasis on the function of Islamic unity. *Awaiting the Promised Quarterly*, 8(40), 1-18. [In Persian]
- Alvani, m, danaiy fard, h. (200). Investigating the relationship between economic instability and Iran's economic and social development. *Sociological studies*, 2(20), 17-38. [In Persian]

- Ghadery, R, shafiiy, A, madani, m. (2022). Evaluation of the causes of the class gap and its relationship with the decrease of trust in the officials of the system in the Islamic Republic of Iran. *Political sociology of Iran*, 5(11), 100-130. [In Persian]
- Ghasemi, h, keshavarz, a, solhjoui, m. (2019). Analysis of factors affecting the future of public trust in the government of the Islamic Republic of Iran in the horizon of 1424. *Two future research quarterly journals in Iran*, 4(1), 70-90. [In Persian]
- Goftar no. (2018). The necessity of political education of citizens. New speech website. [In Persian]
- Hag yousey, a, talebi, m. (2017). Examining the obstacles to realizing good governance in Iran's political culture, *Institute of Human Sciences and Cultural Studies*, 1 (8), 1-20. [In Persian]
- Hatami, m, hatami, k. (2022). Misappropriation of government property, Tehran: Ganjur Publishing. [In Persian]
- Marakheh, m. (2020). Political and economic stability and tax revenues. Tehran: Raz Nahan publishing house. [In Persian]
- Mehdipour, m, davodi, a, ahura, a. (2017). Gender capitals of political conflict in Iran after the Islamic revolution. *Journal of political geographical research*, 8(40), 20-35. [In Persian]
- Naderighomi, m, ahmadi, m. (2020). Investigating meritocracy in the political system of the Islamic Republic of Iran in theory and practice. *Islamic Government Quarterly*, 1(4), 10-22. [In Persian]
- Nahidi amir khiz, m. (2020). Investigating the relationship between economic instability and Iran's economic and social development. *Sociological studies*, 4(20), 14-35. [In Persian]
- Nili, m. (2012). Economy and social justice. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
- Pakseresht, s. (2015). Social capital in Iran: situation, challenges and strategies. Tehran: Al-Ghadir. [In Persian]
- Paspiry, a, kamarbigy, kh, darvishy, f. (2015). Investigating the level of feeling of social security and some factors related to it. *Research Journal of Islamic Culture*, 16 (4), 10-22. [In Persian]
- Ramezani, m, nikonahad, a, eivazi, m. (2020). Identification and analysis of drivers influencing the future of political participation in Iran. *Contemporary political essays*, 2 (12), 15-35. [In Persian]
- Salehuamiri, r, afshari, a. (2020). Theoretical and strategic foundations of management for the promotion of social and cultural security in Tehran. *Strategy Quarterly*, 14 (59), 18-36. [In Persian]
- Sayehmiri, a, jani, b. (2020). The relationship between justice and social solidarity from Imam Ali's point of view. *Scientific Quarterly Journal of Islamic Economics and Banking*, 8(31), 75-95. [In Persian]
- Sohraby, sh, salami, gh, ghazanfari, m. (2022). Participatory governance in the thought and behavior of martyr Lieutenant General Qassem Soleimani. *Articles of the third national conference and the first international conference on transcendental governance*, Tehran. [In Persian]
- Zahedi asl, m. (2002). Basics of social welfare. Tehran: Allameh University Press. [In Persian]